



روای نصرت

ویژه نامه نبرد رمضان

فروردین ۱۴۰۵ - ۲ صفحه

مایدی روزی را با تمامی وجودمان حس می کنیم

منطقه خلیج فارس شبیه خانه ارواح شده‌اند و خسارتی که دیده‌اند، غیر قابل محاسبه است؛ نیازی به تجزیه و تحلیل متن سخنرانی‌های ترامپ نداریم تا بفهمیم که پیروزیم؛ ما یقین داریم که پیروزیم، چون با جان مان، با فرزندان مان در میدانیم، هم ما و هم نیروهای مسلح ما. آن کس که از حضور در میدان می ترسد شکست خورده است، چه آن وطن فروشی بزدل و چه آن ناوی که از معرکه گریخته است. فلذا ما داستان پیروزی خود را نوشته ایم و آن را با شیرازه‌های محکم جلد کرده ایم و پایان داستان را هم چنان نوشته ایم که کسی نتواند آن را تغییر دهد!

چگونه می شود که ما حتی قبل از پایان جنگ، چنانیم که گویی پیروزی را با کل وجودمان حس می کنیم؟! این عینی و واقعی تر از آن چیزی است که نیاز به تبیین بیشتری داشته باشد. امام شهید در آخرین سخنرانی عمومی شان گفتند که ملت ایران به زودی پیروزی را حس خواهند کرد. بله، ما حالا پیروزی را با گوشه‌ت و پوست مان حس می کنیم و نیازی نیست که تحلیلگران جهان ده تاده تا بگویند امریکا شکست خورده و ناتوان از پایان جنگ است، چون هیچ راهبردی برای تنگه نندارد؛ نیازی نیست شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌ای جهان بگویند کشورهای

داستان باف و دروغ گو مثل ترامپ!

مهسا گریندی

ترامپ این روزها ما را بیش از هر چیزی به یاد انیمیشن‌ها و داستان‌های دوران کودکی مان می اندازد. یاد جادوگر بدجنسی که هر روز در خصوص زیبایی خود از آینه می پرسید یا پادشاهی که تصور می کرد زیباترین لباس را بر تن کرده و هیچ کس جرئت نداشت به او بگوید که لخت است!

ترامپ صرفاً شبیه یکی از شخصیت‌های انیمیشن‌های سیمون‌ها نیست، او را این روزها می توان لایه‌لای اکثر کارتون‌های زمان کودکی و داستان‌هایی که می خواندیم، به وضوح دید. همان شخصیت منفوری که ادعایش تمامی نداشت، اما کمتر کسی جرئت می کرد واقعیت را به روی او بیاورد، چرا که کافی بود کلامی بر خلاف میل شخصیت بدجنس داستان به زبان بیاورد تا سرنوشتش با کرام‌الکاتبین باشد. مثل رسانه‌هایی که این روزها، کتاباً به آنها گفته شده اگر از جنگ می نویسند، نباید هیچ نشانی از موفقیت ایران در آن باشد، که در غیر این صورت در شان تخته می شود یا مثل خبرنگار بخت بر گشته‌ای که وقتی در خصوص امنیت جانی سربازان امریکایی می پرسد و برزیدنت موزرد، جای پاسخگویی به مشتمزکننده‌ترین شکل ممکن او را تحقیر می کند.

ترامپ بی تردید دروغگوی داستان جنگ رمضان است؛ دروغگویی که از نگاه او، روزها قبل، نیروی دریایی ایران به طور کامل نابود شده، پدافندها از بین رفته، توان هسته‌ای ایران با خاک یکسان شده، و انبار مهمات و موشک‌هایش چنان ته کشیده که امریکا و رژیم صهیونیستی در پی زدن کلانتری‌ها و گشت‌های بازرسی افتاده‌اند!

اما چطور می توان حتی گوشه‌ای از حرف‌های او را باور کرد وقتی نه تل آویو از موشک‌های بی‌امان ایران راه گریزی دارد، نه پایگاه‌های امریکا در منطقه از پهپادهای بر تعداد در امان هستند. و از همه مهم تر آنکه با وجود منهدم شدن کامل نیروی دریایی ایران هیچ کشتی‌ای جرئت عبور از آن را ندارد!

غربتی که حس نشد

حسن فرامرزی

دو سه ماه بعد از جنگ دوازده روزه رفته بودیم تالش، برای یکی دو روز جایی در آنجا گرفته بودیم و متوجه شدیم صاحب آن مجموعه از جانبازان جنگ است. افسر درجه‌دار بازنشسته ارتش در شهر ساحلی شمالی باغبانی می کرد، درختان کیوی او بار فوق‌العاده‌ای داده بودند، او چندین نفر را زیر بال و پر خود گرفته بود که میوه‌ها و مرکبات را سورت و صادر می کردند. ضمن صحبت‌های مان فهمیدیم او در طول جنگ دوازده روزه، دو سه واحد ویلایی از مجموعه کوچک خود را با رقم‌های بسیار پایین در اختیار چند خانواده تهرانی قرار داده بود که از جنگ گریخته بودند. امام علی علیه السلام عبارت زیبا و شگفتی دارند که آدمی وقتی توانگر نباشد، در وطن خود احساس غربت می کند، اما وقتی توانگر باشد غربت را به وطن خود بدل می کند. آن روز وقتی با آن جانباز جنگ صحبت می کردم به این موضوع فکر می کردم که قلب بزرگ و دست توانگر آن رزمنده - باغدار، غربت را برای چند خانواده در گوشه‌ای از کشور به وطن بدل کرده بود.



«لحظه تاریخی» تنها ماندن هژمون

علی فنادی

اینکه نه متحدان امریکا حاضر شدند به کمین دونالد ترامپ برای باز کردن تنگه هرمز ملحق شوند و نه شرکای آسیایی و غیر آسیایی امریکا، حاضر شدند به درخواست او آری بگویند، نشانه‌ای جدی از کلید خوردن یک دوره جدید بین‌المللی حول اجماع غیر امریکایی است. چین، احتمالاً یکی از بزرگ‌ترین منتظرین صادر نشدن نفت از تنگه هرمز است، ولی در جنگ امریکا و اسرائیل با ایران، ترجیح داده سکوت کند. معنی دیگر سکوت بکن این است که آورده‌های زمینگیر شدن امریکا در خاورمیانه، برایش خیلی بیشتر از ضرر نفتی است که دارد متحمل می شود. یک امریکای زمینگیر شده در غرب آسیا، برای مداخله در شرق آسیا در رویارویی چین با تایوان و دیگر متحدان غربی واشینگتن، خیلی محتاطانه و دست به عصا تر عمل خواهد کرد، و این همین برای چشم بادامی‌ها، یک دستاورد استراتژیک است؛ جنگ در خاورمیانه، از این نظر برای بکن یک لحظه تاریخی است.

وضع درباره اروپاییان، کمی متفاوت است. ترامپ در یک سال و اندی از ریاست جمهوری‌اش، هر بلایی که توانست بر سر اروپاییان آورد؛ از اعمال تهدید و ارباب‌تعارف‌های گرفته تا سودای تسلط بر گرینلند و بالآخره با اواخر، سند امنیت ملی امریکا که با لحنی تحقیر آمیز اروپا را تمدنی در حال افول توصیف کرد، رهبران شرقی آتلانتیک را متقاعد کرد که امریکای ترامپ به چیزی جز تحقیر و بعد هم افول اروپا فکر نمی کند. به همین خاطر بود که اروپاییان در ماه‌های اخیر، ماه عسل بی‌سابقه‌ای با بکن ترتیب دادند. پارلمان فرانسه در یک گزارش استراتژیک خواستار تجدیدنظر اساسی در مسیر مناسبات اروپا با چین شد، نخست‌وزیر انگلیس مسیر سفر به بکن در پیش گرفت و فریدریش مرتس صدراعظم آلمان هم با سفر به بکن، هم آوردی سطح نظامی بکن - واشینگتن در آینده نزدیک را پیش کشید و درباره ورود به عصر و دوران جدید اروپا و چین صحبت کرد. حالا اروپاییان، در جنگ امریکا (و اسرائیل) علیه ایران که کنترل تنگه هرمز، به نقطه حساس آن بدل شده، لحظه‌ای تاریخی را حس می کنند که قادرند با تنها گذاشتن ترامپ، عقده‌های فروخورده یک سال اخیر و ماقبل آن را تلافی کنند. بی‌جهت نیست که بوریس پیستوریوس، وزیر دفاع آلمان گفته که «این جنگ ما نیست و ما آن را آغاز نکردیم» و تأکید کرده که «ما در تأمین امنیت تنگه هرمز مشارکت نخواهیم کرد». واقعیت این است که اگر ایران در مدیریت شکاف اروپا و امریکا در کشاکش جنگ حساب شده عمل کند، این دور در مسیر جدید قرار خواهد داد. خیلی ساده می‌توانیم حدس بزنیم که واکنش امریکای ترامپ به این تلافی‌جویی اروپاییان در فرای جنگ با ایران چطور خواهد بود و چگونه این واکنش، ممکن است مناسبات دو سوی آتلانتیک را به سمت و سویی کاملاً متفاوت از گذشته سوق دهد.

اگر امریکای یابدن، جنگ اوکراین را به اهرمی برای فرسودن روسیه بدل کرد و با کشاندن اروپاییان به میدان تخاصم با مسکو، روند تضعیف اروپا را کلید زد، حالا روس‌ها از زمینگیر شدن امریکای ترامپ در هرمز سرشادند و هم‌زمان، به فشرده شدن گلوی اروپاییان در اثر بسته شدن هرمز، بوز خند می‌زنند. می‌توان حدس زد که در فرای این جنگ، دینامیسم مناسبات بازرگان بزرگ با همدیگر متفاوت و پویایی مناسبات اروپا، روسیه و چین با امریکا، به کلی فرق خواهد کرد؛ امریکای ابرقدرتی که برخلاف همه دهه‌های قبل و بعد از جنگ سرد، نتوانسته یک ائتلاف بین‌المللی ایجاد کند و فقط در حال دندان گزیدن است تا این چک برگشتی را بعد از جنگ، برای متحدان خود نقد و برای شرکای خود حساب کند، بازی حساب شده تهران، البته بسیار مهم است.



ضرر ندارد این شیرینی

آیدین تبریزی

تصویر غم‌انگیزی از ویترین یک فنادی در تهران. کیک‌های تولدی که قرار بوده سر از خانه‌های مردم در بیاورند و کام آدم‌ها را شیرین کنند، کیک‌های تولدی که می‌خواستند آدم‌ها را دور خود جمع کنند، حالا وسط موج انفجار در همدیگر فرو رفته و فروپاشیده‌اند. انگار که معنای خود را از دست داده باشند. لایه خرده شیشه‌ها لایه‌لای بافت اسفنجی کیک‌ها جا خوش کرده و آنها را بلااستفاده کرده‌اند. این کیک‌ها نمادی از جشن‌های لغو شده‌اند، کودکانی که منتظر جشن‌های تولد خود بودند، کودکان میزبانی و کودکان دیگری که این روزها داغ بزرگی را بر سینه‌های ما گذاشته‌اند. با این همه در نگاه فراخ به زندگی، شیرینی‌های وای قند و خامه است. ما این روزها وسط همین روزهای درد و سوگ، شیرینی‌هایی را می‌چشمیم که هیچ طلیب منصفی، آن را منع نمی‌کند، شیرینی در هم شکستن همیشه یک ابرقدرت، شیرینی بر کشیده شدن قهرمان‌هایی که تا دیروز از وجودشان آگاه نبودیم، اما امروز در انواع لباس‌ها، صنفاها و مسئولیت‌ها تار و پود ایستادگی یک ملت را با رشته‌های ابریشمی، درخشان و محکم به هم می‌یافتند. درست است که این روزها هزاران جشن لغو شده و مراسم‌های بی‌پوند بسیاری به احترام قربانیان و شهدا به تعویق افتاده است، اما در سطحی دیگر فرصت بی‌ظنیری برای پیوندهای بزرگ‌تر برای بازیابی و بازتعریف هویت ایرانی شکل گرفته است. می‌گویند ققنوس پرندهای است که از خاکستر خود متولد می‌شود، یعنی از جایی که گمان نمی‌کنی برخاستی و رستاخیزی در کار باشد پرندهای بال و پر خود را از میان ذرات خاکستر باز می‌یابد.